

## معرفی نسخ نویافته قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی شخصیت قهرمان\*

عباس پارساطلب\*\*، علی محمد مؤذنی<sup>۱</sup>، روح‌الله هادی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۹)

### چکیده

قهرمان‌نامه (یا قهرمان قاتل یا قصه قهرمانان) اثری از ابوطاهر طرسوسی مؤلف پرکار قرن ششم است. این داستان که در زمره ادبیات عامه محسوب می‌شود، دوران اساطیری پادشاهی هوشنگ‌شاه و دلاوری‌های پهلوانان و عیاران او را بازتاب می‌دهد. ازجمله شخصیت‌های اصلی این داستان به قهرمان، هوشنگ‌شاه، گردنکشان، سروخرامان و بهرام جبلی می‌توان اشاره کرد. از قهرمان‌نامه چندین نسخه به زبان فارسی، ترکی، ازبکی و کردی موجود است؛ ولی تاکنون به‌جز چند چاپ سنگی کم‌حجم و نامرغوب، تصحیح انتقادی‌ای از این اثر انجام نگرفته است. در این مقاله سعی بر آن است علاوه بر معرفی نسخ موجود از قهرمان‌نامه، به بعضی از ویژگی‌های سبکی نسخه کتابخانه ملی (نسخه اساس) و معرفی شخصیت اصلی داستان، یعنی قهرمان نیز اشاره شود.

واژه‌های کلیدی: قهرمان‌نامه، ابوطاهر طرسوسی، نسخه خطی، قهرمان.

---

\* مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری نویسنده مسئول است.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

\*\*abbas.parsatalab@ut.ac.ir

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

## ۱. ضرورت و روش پژوهش

از آنجا که از *قهرمان‌نامه* ابوطاهر طرسوسی جز چند چاپ سنگی کم‌حجم و نامرغوب، چاپ علمی و قابل‌اعتنایی در دسترس نیست، تصحیح این اثر به‌وسیلهٔ نسخ خطی موجود<sup>۱</sup>، ضروری به‌نظر می‌رسید. از همین رو، نگارندگان این اثر را که بخشی از رسالهٔ کارشناسی ارشد بوده، تصحیح کرده‌اند و در اینجا به معرفی آن می‌پردازند. شیوهٔ این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی انجام گرفته است.

## ۲. پیشینهٔ پژوهش دربارهٔ *قهرمان‌نامه*

هرمان اته (۲۵۳۶: ۲۱۵) از نخستین کسانی است که در *تاریخ ادبیات* خود اشاره‌ای به *قهرمان‌نامه* کرده است. وی قهرمان را کشندهٔ اسفندیار می‌داند. بی‌تردید وی در این مورد به خطا رفته است و نمی‌توان اسفندیار روئین‌تن *شاهنامه* را با اسفندیار بحری - که در این داستان از او نام رفته است - یکی دانست.

محمدجعفر محجوب، ذبیح‌اله صفا، سعید نفیسی و حسین اسماعیلی (محجوب، ۱۳۸۲: ۲۷۲ - ۲۷۳؛ همان، ۱۳۶۴: ۱۹۹ - ۲۰۰) نیز یادداشت‌هایی در معرفی ابوطاهر طرسوسی<sup>۲</sup> و آثارش، به‌خصوص *قران حبشی* و *قهرمان‌نامه*، مکتوب داشته‌اند (صفا، ۱۳۶۹: ۵/ ۱، ۱۹۲؛ نفیسی، ۱۳۴۴: ۱/ ۷۱؛ طرسوسی، ۱۳۸۰: مقدمهٔ کتاب).

محمد قزوینی (۱۳۸۸: ۱۰/ ۲۷ - ۳۰) در جلد اول *مسائل برلینی* به معرفی شخصیت‌های داستان «*قهرمان‌نامه*» پرداخته و عباراتی چند از متن *قهرمان‌نامه* را نیز بیان کرده است. ایرج افشار در چاپی که از یادداشت‌ها فراهم آورده‌اند، در پاورقی مرقوم داشته‌اند که مرحوم قزوینی محل نگهداری این نسخه را معین نکرده است. جواد بشری (۱۳۸۸: ۱/ ۲۷، ۴۷) حدس زده است که احتمالاً روایت فارسی نسخهٔ برلین مورد استفادهٔ علامه قزوینی قرار گرفته و در یادداشت‌ها نکاتی از آن را ثبت کرده‌اند. نگارندگان پس از مقابلهٔ نسخ موجود از روایت «*قهرمان‌نامه*»، با یادداشت‌های علامه قزوینی متوجه این نکته شدند که متن مورد استفادهٔ علامه قزوینی نسخهٔ فارسی محفوظ در کتابخانهٔ برلین نبوده است؛ بلکه شمارهٔ ارجاع صفحات مرحوم قزوینی و خود متن

معرفی نسخ نویافته قهرمان نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

نشان می‌دهد که وی نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۷۰۱۸ را در اختیار داشته‌اند.

حسن ذوالفقاری (۱۳۹۱: ۳ / ۱۸۷۳ - ۱۹۸۳؛ همان، ۱۳۹۴: ۱۴۲ - ۱۴۴) در جلد سوم کتاب *ادبیات مکتب‌خانه‌ای* از روی نسخه چاپ سنگی این اثر را تصحیح کرده و یادداشت‌هایی مختصر نیز درباره اثر و سبک آن عرضه داشته است. از آنجا که نسخ فارسی روایت *قهرمان‌نامه* نایاب بوده است، میلاد جعفرپور در مقدمه روایت «قران حبشی» می‌نویسد:

سال‌ها پیش در ایران خلاصه‌ای ناچیز، بازاری و نامرغوب ازین روایت در ۵۰ برگ منتشر شده است. در سال ۱۸۶۸ محمدامین یومینی داستان قهرمان قاتل را از روی نسخه‌ای فارسی، به ترکی استانبولی ترجمه کرد که به تازگی نیز (۲۰۱۴) تجدید چاپ شده است. آخرین اطلاعی که از وضعیت این روایت دارم، حکایت از آن دارد که پژوهنده‌ای ادب‌دوست نسخ ترکی تمامی مجلدات این روایت را جمع‌آوری کرده است و باید منتظر ماند تا شاید توفیق مطالعه ترجمه فارسی آن دست دهد (طرسوسی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۱ - ۱۲).

### ۳. *قهرمان‌نامه* (قهرمان قاتل یا قصه قهرمانان)

*قهرمان‌نامه* (یا قهرمان قاتل یا قصه قهرمانان) سرگذشت دل‌آوری‌های شخصی به نام قهرمان است که از نسل طهمورث دیوبند است. قهرمان در کودکی از سوی دیوان ربوده و به کوه قاف برده می‌شود. در آنجا تحت تعلیم دیوان قرار می‌گیرد تا اینکه به ربع مسکون آمده و با هوشنگ‌شاه، پادشاه هفت‌اقلیم، مواجه می‌شود. در ادامه، پس از پی بردن به هویت خود به خدمت هوشنگ‌شاه درمی‌آید و به جنگ رای، پادشاه هندوستان می‌رود. پس از نبردهای فراوانی که میان هر دو سپاه درمی‌گیرد، در نهایت، رای‌برین تسلیم هوشنگ‌شاه می‌شود و جنگ پایان می‌پذیرد. قهرمان در پی درخواست کمک شهبال‌شاه پری از هوشنگ‌شاه، به یاری او در گلستان ارم می‌شتابد و با شکستن طلسم‌های فراوان و کشتن دیوان دوباره به ربع مسکون باز می‌گردد. او با دختر رای‌برین، سروخرامان، وصلت می‌کند و پس از کناره‌گیری هوشنگ‌شاه از قدرت، به جای او بر تخت پادشاهی می‌نشیند و به عدل و رعیت‌پروری مشغول می‌شود.

در نسخ فارسی برجای مانده از روایت دلکش «قهرمان نامه» تنها در نسخه برلین و تاجیکستان چند بار نام «طرطوس حکیم» به منزله راوی و داستان پرداز این اثر دیده می شود (ب: ۴ الف، ۱۰ ب؛ ج: ۱۰ الف، ۱۴ ب). در نسخه ترکی قهرمان نامه به شماره supplement turk 343 محفوظ در کتابخانه پاریس نیز چندین بار به نام «طرطوس حکیم» اشاره شده است (۸ ب، ۲۲ الف، ۳۴ الف، ۴۷ ب، ...).

بلوشه در مورد منشأ این داستان می نویسد: «این داستان، بنا بر افسانه های اسلامی، از هند آمده و به دستور انوشیروان، به دست بزرگمهر، به زبان پهلوی ترجمه گشته، سپس به وسیله ابوطاهر موسی طرسوسی به فارسی برگردانده شده و بعدها به زبان ترکی درآمده است» (1932: 1/ 137). حسین اسماعیلی نظر بلوشه را رد کرده و می نویسد: «داستان آمدن این قصه از هند جز افسانه چیزی نیست و ترجمه های پی در پی آن و به ویژه ترجمه ابوطاهر در هیچ جای دیگر دیده نشد و منبع بلوشه نیز ناشناخته ماند» (طرسوسی، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۶). بلوشه فرضیه دیگری نیز در مورد این داستان ارائه می دهد: این داستان از جمله حماسه های سیستان است که بخشی از آن که مربوط به پهلوانی های رستم است، در شاهنامه وارد گردیده، و در آن خاطره آمدن سکاها و ترک که کیش شمنی و بودایی داشتند و به جادوگری نیز دست می زدند، به چشم می خورد (1932: 1/ 137). اسماعیلی این فرضیه را قابل قبول تر می داند (همان، ۱/ ۷۷).

#### ۴. معرفی نسخه های خطی قهرمان نامه

##### ۴ - ۱. نسخه خطی کتابخانه ملی مرکزی (نسخه اساس)

این نسخه به شماره ۲۲۷۹۹ - ۵ با عنوان «قصه قهرمانان» در ۱۶۴ برگ ۱۹ سطری در قطع ۱۹۶ \* ۲۹۵ به کتابت درآمده است. نوع خط نستعلیق و نوع کاغذ فرنگی نخودی، آهار مهره است. عناوین فصل ها و واژگان «بیت» و «فرد» و علامات جداکننده مصراع ها با شنگرف سرخ نوشته شده است. جلد نسخه مقوایی با روکش تیماج مشکی، عطف گالینگور قهوه ای است. این نسخه در دوازدهم ربیع الاول سال ۱۲۰۵ هجری از سوی محمدباقر نامی به سفارش کاکاخانبیگ تحریر یافته است. برگ (۱ب) نانوشته و برخی

معرفی نسخ نویافته قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارساطلب و همکاران

برگ‌ها نونویس است. رطوبت، لکه، سوختگی، پارگی و ریختگی لبه برگ‌ها و نیز ساییدگی جلد از مشخصات ظاهری دیگر نسخه است (معظمی کندی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷ / ۲۹۹ - ۳۰۰).

#### ۲- ۲. نسخه خطی کتابخانه رودکی تاجیکستان

این نسخه در نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران (دفتر ۹) به شماره ۱۱۶ و با عنوان «قهرمان قاتل» ثبت شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۸: ۶۷). در فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان (جلد اول)، این نسخه به شماره ۴۴۵۷ و با عنوان «جنگ‌نامه قهرمان قاتل» ذکر شده است. نام مؤلف یا کاتب از سوی فهرست‌نویس نامعلوم نوشته شده است. این نسخه در ۷۳ ورق به ابعاد ۲۵,۵ \* ۳۱ س با خط نستعلیق به کتابت درآمده است. جنس کاغذ شرقی زردرنگ است. عنوان فصل‌ها با شنگرف نوشته شده است. جلد نسخه چرمین قرمز ترنج‌دار است. بعضی اوراق فرسوده و بعضی ترمیم شده است. نسخه فاقد افتادگی در آغاز و انجام است. در هر صفحه ۱۵ سطر تحریر یافته است. در لابه‌لای این نسخه اشعار منظوم مشاهده می‌شود (موجانی، ۱۳۷۶: ۱ / ۳۲۴).

#### ۳- ۴. نسخه خطی کتابخانه برلین آلمان

این نسخه به شماره ۱۰۳۹ Petermann 425 در ۷۹ برگ به ابعاد ۱۳ \* ۲۰,۵ با خط نستعلیق تحریری بدخط نوشته شده است. تعداد سطرهای نوشته‌شده در بیشتر صفحات ۱۴ سطر و در بعضی موارد ۱۵ سطر است. در حاشیه برخی صفحات دو یا سه سطر اضافی نیز دیده می‌شود. متن نسخه با مرکب سیاه و عناوین فصل‌ها و واژه «بیت» و علامات جداکننده مصراع‌ها با شنگرف سرخ نوشته شده است. جلد این نسخه چرمی بدون مقواست. نسخه در آغاز و انجام افتادگی دارد (Pertsch, 1888: 993).

#### ۴ - ۴. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۱۵۷۹۴ در ۱۸۲ برگ در اندازه ۱۹ \* ۳۰ به خط نسخ نستعلیق تحریری کتابت یافته است. تاریخ کتابت نسخه ظاهراً متعلق به قرن ۱۳ هجری است. جلد نسخه از جنس تیماج فرنگی است. افتادگی در آغاز و انجام نسخه مشاهده می‌شود. کاتب نسخه نامشخص است و کتابت نسخه با چند خط متفاوت انجام گرفته است (حافظیان بابلی، ۱۳۸۹: ۴۴ / ۷۰؛ درایتی، ۱۳۹۲: ۲۵ / ۶۱۷). تعداد سطرهای نوشته‌شده در بیشتر برگ‌ها ۱۶ سطر است؛ اما این تعداد در تمامی برگ‌ها یکسان نیست. فضای خالی در بعضی اوراق نشان از این دارد که کاتب قصد داشته است تصاویری را به این نسخه بیفزاید؛ ولی آن را همان‌طور بدون تصویر رها کرده است. تنها ۳۴ برگ نخستین این نسخه متن *قهرمان‌نامه* است و پس از آن متن *شاهنامه* آغاز می‌شود.<sup>۳</sup>

#### ۴ - ۵. نسخه خطی کتابخانه ماتنادارن ارمنستان

این نسخه به شماره MS 54 (C.A.S.M) در کتابخانه ماتنادارن شهر ایروان نگهداری می‌شود. این نسخه در ۶۱ برگ در ابعاد ۱۹ \* ۲۳,۵ با خط شکسته به تحریر درآمده است. برگ‌های a1 و 61 ab خالی هستند. جلد نسخه مقوایی قهوه‌ای و جوهر نوشتاری متن سیاه است. کاتب آن حسین علی است که این نسخه را به سفارش معصوم‌بیگ نوشته است. تاریخ سال کتابت نسخه مشخص نیست و تنها به روز بیست‌وششم ماه جمادی‌الآخر اشاره شده است (Kostikyan, 2017: 40).

#### ۴ - ۶. نسخه خطی کتابخانه طبسی قم

این نسخه به شماره ۱۹ / ۱ در ۲۲ برگ به اندازه ۲۱ \* ۳۳ در تاریخ محرم ۱۲۵۴ هجری تحریر یافته است. خط آن نستعلیق و جلد تیماج مذهب است. این نسخه که کم‌حجم‌ترین نسخه موجود از *قهرمان‌نامه* است، در آغاز افتادگی دارد و کاتب آن نیز نامشخص است (درایتی، ۱۳۸۹: ۸ / ۳۵۴؛ همان، ۱۳۹۲: ۲۵ / ۶۱۷). در برگ نخستین این دست‌نویس با مداد عبارت «هذا کتاب اسکندرنامه» نوشته شده است.<sup>۴</sup>

معرفی نسخ نویافته قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

##### ۵. دست‌نویس‌های ازبکی قهرمان‌نامه

نسخه شماره ۴۰۹/۲ محفوظ در کتابخانه خاورشناسی تاجیکستان (ر.ک: موجانی، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۵۳).

نسخه شماره ۳۶۲۸ محفوظ در انستیتوی نسخه‌های خطی تاجیکستان (ر.ک: همان، ۱۳۷۹: ۳/ ۳۰۲).

نسخه شماره ۴۲۰۹ با عنوان قصه قهرمان محفوظ در انستیتوی نسخه‌های خطی تاجیکستان (ر.ک: همان، ۱۳۷۹: ۳/ ۳۰۲ - ۳۰۳).

##### ۶. دست‌نویس‌های ترکی قهرمان‌نامه

نسخه خطی قهرمان‌نامه / قصه قهرمان قاتل، مصور به شماره 8019 در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

نسخه خطی هذا کتاب قهرمان قاتل، به شماره supplement turk 343 در کتابخانه ملی فرانسه (تاریخ کتابت: ۹۵۹ ق، ۲۶۲ برگ).

نسخه خطی قصه قهرمان، به شماره supplement turk 343 در کتابخانه ملی فرانسه (تاریخ کتابت: ۱۰۴۲ ق، ۳۰۵ برگ).

نسخه خطی قصه قهرمان قاتل، به شماره supplement turk 446 در کتابخانه ملی فرانسه (تاریخ کتابت: ۱۱۲۳ ق، ۲۱۸ برگ).

نسخه خطی هذا کتاب قهرمان قاتل و پهلوان عاقل، به شماره supplement turk 655 در کتابخانه ملی فرانسه (تاریخ کتابت: ۹۸۹، ۲۲۰ برگ) (Blochet, 1932: 1/ 144, 356; 2/ 200).

نسخه خطی با عنوان قهرمان‌شاه حکایه سی - قهرمان قاتل، به شماره ۵۵۸۰ (2945) محفوظ در کتابخانه غازی خسروبیگ ساریوو (Nametak, 1998: 4/ 249).

نسخه خطی با عنوان حکایه قهرمان، به شماره 3543 (۲۹۲۳) محفوظ در کتابخانه غازی خسروبیگ ساریوو (ibid, 4/ 237).

نسخه خطی با عنوان حکایه هوشنگ‌شاه، به شماره R-3330 (9241) محفوظ در کتابخانه غازی خسروبیگ ساریوو (Popara, 2008: 16/ 504).

سال ۸، شماره ۳۲، خرداد و تیر ۱۳۹۹. دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

نسخه خطی با عنوان حکایه قهرمان، به شماره R-9459 (9242) محفوظ در کتابخانه غازی خسروبیگ ساریوو (Popara, 2008: 16/ 505).  
نسخه خطی کلام حکایت قهرمان قاتل، به شماره A.F.222 کتابخانه وین اتریش (Flugel, 1865: 32).  
محمد پروین گنابادی (۱۳۴۰: ۹۳) در مقاله «داراب‌نامه» از وجود ۳ نسخه دیگر قهرمان‌نامه به زبان ترکی در کتابخانه دولتی لایپزیک خبر داده است.

#### ۷. نسخه‌های چاپ سنگی قهرمان‌نامه

##### ۷-۱. نسخ چاپ سنگی کتابخانه ملی مرکزی

نسخه چاپ سنگی، به شماره ۷۰۱۸ با عنوان قهرمان قاتل.  
نسخه چاپ سنگی، به شماره ۵۵۲۶ با عنوان قهرمان قاتل.  
نسخه چاپ سنگی، به شماره ۲۱۹۹۳ با عنوان هذا کتاب قهرمان‌نامه.

##### ۷-۲. نسخ چاپ سنگی کتابخانه آستان قدس رضوی

نسخه چاپ سنگی، به شماره ۱۱۰۶۰ با عنوان قهرمان قاتل.  
نسخه چاپ سنگی، به شماره ۴۵۷۶۴ با عنوان قهرمان قاتل.  
نسخه چاپ سنگی، به شماره ۴۵۷۶۵ با عنوان قهرمان‌نامه.

#### ۸. نسخه‌های چاپ سربی قهرمان‌نامه

نسخه چاپ سربی محفوظ در کتابخانه ملی به شماره ثبت ۲۳۲۵۷۳۸ با عنوان کتاب قهرمان‌نامه، شیرین‌ترین و بهترین حکایات و جنگ‌های شرقی.  
نسخه چاپ سربی محفوظ در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ثبت ۱۴۱۴۷ با عنوان کتاب قهرمان‌نامه، شیرین‌ترین و بهترین حکایات و جنگ‌های شرقی.  
در پایان، گفتنی است که از قهرمان‌نامه نسخه‌هایی نیز به زبان کردی (گوش گورانی) موجود است. منظومه قهرمان‌نامه به زبان کردی - که حدود سه هزار بیت است و نسخه‌هایی از آن نزد برخی از خاندان‌ها یافت می‌شود - منسوب به درویش قلی کردی است (لطفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۳).<sup>۵</sup>

معرفی نسخ نویافته قهرمان نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

## ۹. بعضی ویژگی‌های سبکی (نسخه اساس)

### ۹ - ۱ ویژگی‌های سبکی زبانی

تبدیل مصوت بلند «و» به مصوت بلند «آ»: ستون ← ستان، درون ← دران، اندرون  
← اندران، زیون ← زیان.

اببدال «ن» به «م»: قنطوره ← قمطوره، عنبر ← عمبر، معجون ← معجوم.  
پسوند «یه» در انتهای بعضی از واژگان: روانیه، نشانیه، روزانیه.

### ۹ - ۲. ویژگی‌های سبکی دستوری

#### حروف

«با» در معنای «بر»: «و با چهل دلاور مکمل و مسلح، با اسب‌های تازی نژاد سوار شده،  
از عقب قهرمان بدر رفتند» (۴ ب).

«از» در معنای سببی: ایشان از آن آواز درود و تحیات فرستادند و در همان‌جا  
ایستادند (۱۴۹ ب).

استفاده از «را»ی فک اضافه: «و شکار چند زده، یکی را به کباب کردن مشغول  
شد» (۴ الف). «شاهرخ را دل به فرزندش بسوخت» (۸۲ الف).

آوردن «مر» قبل از مفعول: «شکر مر خدای را که طعمه‌ای ناشتایی از جهت من  
آورده‌اند» (۱۳۱ الف).

رای اختصاص (برای تأکید پس از ضمیر خود): «قهرمان دلاور با هفتصد هزار  
مبارز خود را چون شعله آتش به استقبال لشکر سروخرامان بدر رفته» (۶۰ الف).

رای توضیح: «و الا جنگ را آماده باش» (۸۹ ب).

حرف ربط مکرر: (آوردن دو حرف ربط «که» و «تا» در کنار یکدیگر) «این را  
بخوان و بر خود بدم که تا بیهوش نشوی (۱۷ الف). «بگویند که چه حاجت دارید که  
تا حاجت شما را روا گردانم» (۱۰۶ الف).

### صفت

صفت جانشین موصوف: «و صدای کوس حربی و نای رزمی گوش گردان را کر کرده» (۲۶ ب) (گردان: فلک گردان).

مطابقت صفت و موصوف در شمار: «منشیان صاحب‌رقم خوش‌نویسان» (۹۷ ب). «اولاد امجاد» (۱۵۲ ب).

جمع مضاف‌الیه: «و سواران دنباله‌های لجام را بر طبل بازها زدند» (۸۸ ب).

### فعل

ماضی ساده به جای مضارع التزامی: «و نعره‌ای کشید که نزدیک بود که جمیع لشکر را زهره در بدن آب شد» (۳۳ الف)

ماضی در معنای مضارع محقق‌الوقوع: «باید که با سرداران و گردن‌کشان بارگاه خود جمیعاً شمشیرها به گردن انداخته، با باج و خراج چندین ساله به درگاه معلا می حاضر گردی که از سر تقصیرات تو گذشتم» (۵۰ الف).

ماضی استمراری یایی: «چه بودی که علاج این دو بیچاره مبتلا در عالم موجود بودی» (۱۲ الف) «و از مال و خزینه و لشکر و سرداران دریغ نکردمی» (۱۲ الف).

ماضی استمراری یایی با «می»: «که به جان و دل به معالجه ایشان می‌کوشیدمی» (۱۲ الف).

وجه متعدی (افعال دووجهی): «و آن نعش را در میان آتش انداختند و سوختند» (۸۶ الف). «آتشی از آن چرخ ظاهر شود که تو را بسوزد و خاکستر کند» (۱۴۹ الف).

فاصله افتادن میان «نه» و فعل: «زیرا که اگر نه از همت تو می‌بود» (۱۶۱ الف). فاصله میان دو جزء فعل: «امشب شما را جنگ بسیار باید کرد» (۶۱ ب). «رای- برین چون خبر از آمدن دلاوران گردید» (۱۰۴ ب).

تقدیم فعل: «کوفت آن شمشیر را بر کمرگاهش که دونیمه گردید» (۱۳۵ ب). تقدیم و تأخیر اجزای جمله: «آنگاه شخصی از ملازمان خود را حرفی گفت در گوش او» (۱۴۷ ب) «و هر شب سروخرامان می‌آمد به چادر گردنکشان» (۷۹ ب).

### ضمیر

«او» در معنای «آن»: «و در عقب کوه بلور، صحرایی هست که روشنی او صحرا مانند کوه بلور است» (۱۱۰ الف) «که قهرمان با همان تیغ الماس فعل جستن کرده و خود را در پیش او نابکار گرفته» (۱۳۶ الف).

«آن» در معنای «او»: «از آن سبب است که به این زندان سلیمان پنهان شده‌ام که آن، بدین جای‌ها نمی‌تواند آمد» (۱۴۰ الف).

«ما» در معنای «من»: «قهرمان گفت: ای سهمان، ما و تو می‌رویم تا ببینیم خدا چه می‌کند» (۱۲۸ الف).

جمع بستن ضمائر: «دمار از روزگار ماها برمی‌آورد» (۱۵ ب) «و ولایات شما را از او گرفته و تسلیم شماها می‌کنم» (۲۸ ب).

جمع بستن ضمیر اشاره: «دیوان آن نواحی جمعی در آنجاها در سیر بودند که ناهیدبانو را دیدند» (۱۴۳ ب).

تکرار ضمیر: «به دور و دایره خود نظر کرده، مرا دیده و مرا شناخت» (۱۹ الف). «هنوز دو حمله در میان ایشان رد و بدل نشده بود که آن ساحر او را گرفته، عیاران هند او را بدر بردند» (۷۶ ب). «او را خلعت داد و بنواخت و او را ملازم شاهرخ ساخت» (۸۲ الف). «برو و او را برداشته بیاور که من او را دلداری بدهم» (۹۵ الف).

### اسم

جمع مکسر عربی با نشانه‌های جمع فارسی یا عربی (جمع الجمع): سلاطینان (۱۲ ب)، امرایان (۱۰۴ ب)، عجایبات (۱۱۰ الف)، احوالات (۱۱۳ الف)، جواهرات (۱۱۳ ب)، اطفال‌ها (۱۳۴ الف)، احوالات‌ها (۱۴۶ ب)، جواهرها (۱۵۳ ب).

«ی» بدل از کسره: «و پیشاپیش ایشان یک دلاوری دیوانه‌ای گوی زنج را تراشیده» (۲۵ ب) «و در پیشاپیش یک دلاوری خنجرگذاری زیب و زینت تمام بر خود ترتیب داده» (۲۸ الف).

«اک» پسوند تصغیر و تحقیر: «ای خاکی بچه‌اک بی عقل» (۱۵۱ ب).

### ۹ - ۳. صناعات ادبی

#### تشبیه

یکی از ویژگی‌های بیانی در *قهرمان‌نامه* تشبیه است. این تشبیهات بیشتر در وصف میادین جنگ و دلاوری‌ها و رشادت‌های پهلوانان به کار رفته است. تشبیهات ساده و بیشتر از نوع حسی به حسی هستند. «و چنان فشاری بر بند دست محتاج داد که پنج پنجه او چون خیار تر راست شد» (۵۶ ب). «قهرمان آن چنان بر دوال کمرش خوابانید که مانند خیار تر به دونیمه شد» (۸۵ ب).

اضافه‌های تشبیهی نیز در این متن به چشم می‌خورد: گنداب طبیعت (۹ ب)، دود حرص (۱۰ الف)، قلاب بلا (۲۹ الف)، پابند سرگردانی (۲۹ الف)، کدوی سرش (۳۷ ب)، ابر سپر (۴۲ ب)، شربت ممات (۱۳۵ ب).

#### استعاره

تصاویر خیالی و استعاره بیشتر در وصف طلوع و غروب خورشید به کار رفته است: «آن روز تا شب و شب تا صبح و صبح دیگر تا شام همچنین، جنگ بود تا آفتاب پر بر چاهسار مغرب کشید» (۴۱ الف).

#### امثال و کنایات

یکی از ویژگی‌های جالب توجه راوی، آوردن امثال و کنایات است. «من کاری بر سر ایشان بیاورم که مرگ در پیششان عروسی باشد» (۱۱ الف). «و کار خودکرده را تدبیری نبود» (۱۱۵ ب). «البته، در زیر کاسه نیم کاسه‌ای است» (۱۱۷ ب). «و کار از کار گذشت» (۱۲۱ ب). «وقتی که شما به استاد می‌رفتید، من بیرون می‌آمدم» (۱۲۵ ب). «آدمیزاد شیر خام خورده است» (۱۳۰ الف). «راست گفته‌اند که آب چند روزی که در جایی می‌ماند، ضایع می‌شود» (۱۴۴ الف). «از خوشحالی در پوست نمی‌گنجید» (۱۴۶ ب).

### تنسيق الصفات

راوی در متن برای توصیف اشخاص، سلاح‌ها، جانوران، طلوع صبح، سیاهی شب و ... از آرایه تنسيق الصفات بسیار بهره برده است. «شب دیوچهر بی مهر زنگی کردار عادی لقب ناپایدار اهرمن طبیعت» (۵۴ الف). «دوازده هزار شتر زاغ چشم لاله چشم دوکوهانه» (۲۷ ب). «یکه تیر خدنگ ز رنگ عقاب پر سفت سوار یازده مستی» (۱۲۵ الف). «دوازده هزار مبارز نامدار جرار خونخوار خنجرگذار» (۲۶ ب).

### جناس و سجع

در متن جناس بیشتر به صورت مزدوج دیده می‌شود: «هر دو دلاور در میان آب و عرق غرق گردیدند» (۵۹ الف). «سروخرامان دایه را به تعجیل به مجلس شاه فرستاد که مبادا دیگری رای رای برین را برگرداند» (۹۷ الف). «در ساعت همان همان شکار را ذبح کرده» (۱۳۸ الف). «ساقیان سیم ساق با باده‌های رواق به صد طمطراق جام می به گردش درآوردند» (۷ ب). «دیگر باره گرد شد که روی فلک را تیره و چشم مهر و ماه را خیره و چشم‌های مرغان پرنده را پوشیده» (۲۶ ب).

### تکرار و واج‌آرایی

تکرار و واج‌آرایی از دیگر صنایعی است که در متن برای زینت کلام به کار گرفته شده است. تکرار واژه «دست»: «از دست پاچگی، دست به دسته خنجر کرده» (۳۲ الف). واج‌آرایی حرف «س»: «و دلیران سر سنان‌ها را به سوهان الماس سا تیز کرده» (۷۵ الف). واج‌آرایی حرف «ش»: «قهرمان نیز شمشیر کشیده مانند شیر خشم‌آلوده بر ایشان حمله کرد» (۱۲۶ الف).

### لف و نشر

لف و نشر مشوش: «دید که یک نازنین جوانی ایستاده و به تماشای ایشان نظر گشاده که چشم دوربین فلک آن‌چنان دلاوری و مادر دهر آن‌چنان نامداری نژاده و ندیده» (۱۵۵ الف).

## ۱۰. معرفی شخصیت قهرمان

قبل از معرفی شخصیت قهرمان و واکاوی تبارشناسی خاندان او، باید به این نکته اشاره کرد که تاکنون با وجود پژوهش‌های فراوانی که در حوزه حماسه و اسطوره انجام گرفته است، هیچ تصویر روشنی از شخصیت قهرمان و نقش به‌سزای او به‌منزله یکی از پهلوانان خاندان سیستان ارائه نشده است. با وجود این، برای رسیدن به شناختی از شخصیت و هویت قهرمان، در ابتدا لازم است از خودِ متن قهرمان‌نامه بهره گرفت.

در نسخه ملی نام پدر او طابخ‌مراد دانسته شده است (۱ الف). در نسخه برلین نام پدر قهرمان «طابخ‌مراد» آمده است. (۳۴ الف). در نسخه تاجیکستان علاوه بر نام «طابخ‌مراد»، نام «تاج‌مراد» نیز ضبط شده است (۶ ب). در چاپ‌های سنگی نام پدر قهرمان، هم به‌صورت «طالع‌مراد» و هم به‌صورت «طهمورث دیوبند» آمده است. همچنین، نام عموی او «اهراسب» ضبط شده است (م ۱: ۱ ب).

در هیچ کدام از نسخ مورد بحث اشاره مستقیم و صریحی به ارتباط میان قهرمان و خاندان سیستان نشده است؛ اما نسخه مجلس از این جهت بسیار مهم است. در *طومار شاهنامه نقالی* محفوظ در کتابخانه مجلس - که بخش آغازین آن به داستان قهرمان می‌پردازد - نسب قهرمان این‌گونه معرفی می‌شود: «این طفل از اولاد گرشاسب دیوبند می‌باشد» (۲ الف). «عرض کردند که این جوان را قهرمان می‌گویند. پسر فریدون نبیره گرشاسب اولاد کیمردشاه نوّه طهمورث دیوبند است» (۸ الف). «قهرمان گفت: ای نقابدار، بدان و آگاه باش که منم قهرمان قاتل پسر فریدون‌شاه اولاد گرشاسب و نبیره طهمورث دیوبند» (۱۲ الف). «در عصر جمشید پهلوان نامدار، نریمان ابن قهرمان ابن فریدون ابن کیمردشاه ابن طهمورث ابن گرشاسب دیوبند بود» (۳۴ ب). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس این روایت صفت «دیوبند» گاهی به «طهمورث» و گاهی به «گرشاسب» نسبت داده شده است.

در ادامه، در *طومار نسخه مجلس* سام این‌گونه معرفی می‌شود: «در شهر زابلستان جوانی است از اولاد نریمان و قهرمان قاتل و گرشاسب دیوبند که اسم او سام است» (۶۴ الف). «سام گفت: ای نازنین، دانسته و آگاه باش که من از نتاج گرشاسب و اولاد کیمردشاه و طهمورث دیوبند و نوّه قهرمان قاتل فرزند نریمان؛ مرا سام سوار می‌گویند»

معرفی نسخ نویافته قهرمان نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

(۶۵ ب). «سام گفت: ای ازرق، دانسته و آگاه باش منم از نتاج گرشاسب و اولاد کیمردشاه و نبیره طهمورث دیوبند و نوۀ قهرمان قاتل فرزند نریمان یل؛ مرا سام سوار می گویند» (۶۷ ب).

سهراب پسر رستم نیز این گونه نسب خود را به قهرمان می رساند: «سهراب گفت: پدرم رستم ابن زال ابن سام ابن نریمان ابن قهرمان قاتل است» (۸۵ ب). بر اساس این متن، نام پدر قهرمان فریدون شاه است و نه طابخ مراد و اسامی متشابه آن. نکته دیگر اینکه قهرمان نسب به گرشاسب و طهمورث دیوبند می رساند و با توجه به این مطلب باید پذیرفت که قهرمان نه تنها پهلوان بوده؛ بلکه شاهزاده نیز محسوب می شده است. در همین طومار، در داستان رستم و اسفندیار، آنجا که رستم سعی دارد بزرگی نژاد و تبار خود را به اسفندیار متذکر شده تا او را از خیال دست بستن خویش باز دارد، گرشاسب را هم شاه و هم پهلوان دوران خود معرفی می کند. رستم می گوید قهرمان این ننگ را بنیاد گذاشت که خاندان شاهی گرشاسب از پادشاهی کناره گرفته است و به منزله جهان پهلوان کمر خدمت شاهان را بستند.

می توان نشان و رد پای قهرمان را در شاهنامه فردوسی در شخصیت کریمان جست و جو کرد. کریمان نام یا صفتی با عنوان «قهرمان» دارد که در برخی نمونه ها به جای کریمان از آن استفاده شده است. احتمالاً واژه قهرمان (پهلوی: kuhruman) که در نوشتار و گفتار به کریمان بسیار نزدیک است، کم کم به جای هم به کار رفته اند. البته، در گویش های گورانی کهریمان kahrman / کهرمان kahreman به جای قهرمان کاربردی عام دارد (اکبری مفاخر، ۱۳۹۰: ۲۳).

کریستن سن (۲۵۳۵: ۱۹۰) در کتاب کیانیان مرقوم کرده است: «فردوسی گوید: رستم پسر زال داستان پسر سام پسر نریمان پسر کریمان پسر گرشاسب است». او در ادامه ساخت نام «کریمان» را از ترکیب نریمان و گرشاسب می داند (همان، ۲۵۳۵: ۱۹۰؛ نیز نک: آموزگار، ۱۳۷۳: ۱۱). ولف در فهرست خود کریمان را نام یک پهلوان ایرانی و پدر نریمان می داند (ولف، ۱۳۷۷: ۶۴۸)، نیز ر.ک: محمد پادشاه، ۱۳۳۵: ۵ / ۳۴۰۲؛ بغدادی، ۱۳۸۲: ۳۱۰؛ رشیدی، ۱۳۳۷: ۲ / ۱۱۲۵).

با وجود این، علامه دهخدا در باب واژه کریمان نظر دیگری دارد: «[ک] (اخ) در فرهنگ برهان قاطع و انجمن آرا و جزء آن نوشته‌اند: کریمان نام جد دوم رستم زال است که پدر نریمان باشد و ولف در فهرست لغات شاهنامه و نیز فرهنگ آندراج نوشته‌اند: نام یک پهلوان ایرانی که پدر نریمان بوده است؛ اما این معنی نادرست است و منشأ آن ظاهراً بیتی است که از شاهنامه آورده می‌شود:

همان سام پور نریمان بود      نریمان گرد از کریمان بود  
(از یادداشت مؤلف)

در اینجا کریمان جمع کریم عربی است. رشیدی بیتی که در ادامه آورده می‌شود را از فردوسی شاهد آورده و انتساب آن بدان گوینده بزرگ مورد تأمل است:

به بالای سام نریمان بود      به مردی و زور کریمان بود  
(از حاشیه برهان چاپ معین به نقل از دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۸۳۱۴؛ نیز ر.ک: خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ۳/۱۶۳۴؛ ۱۳۴۲: ۱/نودوپنج)  
سجاد آیدنلو معتقد است که:

در این دو بیت شاهنامه از داستان‌های رستم و سهراب و رستم و اسفندیار «کریمان» در هم‌نشینی با نام‌های دیگر به‌گونه‌ای به‌کار رفته است که این تصور را ایجاد می‌کند که اسم خاص است. ظاهراً برهان قاطع قدیمی‌ترین منبعی است که «کریمان» را در شاهنامه اسم خاص و نام پدر نریمان معرفی کرده و پس از آن این توضیح در فرهنگ‌های دیگر و حتی تحقیقات معاصران نیز تکرار شده است. احتمالاً سابقه این تلقی از «کریمان» به پیش از سده یازدهم (زمان تألیف برهان) می‌رسد و دو بیت در دیوان خواجوی کرمانی هست که در آن «کریمان» در معنای نام پدر نریمان یا حداقل با این مفهوم ایهامی استعمال شده است.

دیت خون نریمان ز کریمان کوشند      حاصل ملک سامان ز خراسان طلبند  
آن سیاوش که قتالش به جوانی کردند      خونس این طایفه امروز ز پیران طلبند  
«دیوان خواجوی کرمانی، ص ۲۲»

با این حال در شاهنامه «کریمان» اسم خاص نیست و در معنای لغوی آن (جمع کریم) به‌کار رفته است» (۱۳۹۳: ۱۶۳ - ۱۶۴).

وی در ادامه می‌نویسد: «به تأثیر از روایات نقلی = مردمی نام «کریمان» به‌صورت اسم خاص در اشعار غیرپهلوانی بعد از صفویه وارد شده است» (همان، ۱۶۴ - ۱۶۵).

معرفی نسخ نویافته قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

در منظومه بانوگشسب‌نامه، در شرح دلاوری‌های بانوگشسب دختر رستم، فرامرز در معرفی خاندان و تبار خود، نسب به کریمان می‌رساند:

فرامرز پورِ تهمتن منم      چو کوهی گران زیر در جوشنم  
نیا زالِ سامِ نریمان بود      که او از نژاد کریمان بود

(بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۸۳)

آیدنلو در توضیح این بیت نوشته است:

راویان و خوانندگان شاهنامه که «کریمان» را در شاهنامه نام پهلوانی از دلاوران سیستان می‌دانستند و از سوی دیگر در هیچ‌یک از متون و منابع ملی - پهلوانی چنین شخصی را در میان یلان ایرانی نمی‌یافتند با ساختن شخصیتی به این نام در روایات پهلوانی و عامیانه متأخر، خواسته‌اند به گمان خویش این نقصان را تکمیل کنند (۱۳۸۸: ۴۶۱ - ۴۶۲).

میرجلال‌الدین کزازی بر این باور است که:

فردوسی تنها در این بیت [داستان رستم و اسفندیار] و بیتی دیگر از داستان رستم و سهراب، به پاس به‌کار گرفتن قافیه‌ای هنری بدان سان که به‌ویژه در قافیه‌های آن شیوه و هنجار اوست، کریمان را با نریمان در قافیه آورده است و از کریمان جمع واژه «کریم» را خواسته است (۱۳۹۲: ۶ / ۷۱۲).

در ادامه همین بیت موردنظر در داستان رستم و اسفندیار، بیت بعد نیز درخور تأمل است:

بزرگ است و گرشاسب بودش پدر      به گیتی سیوم خسرو تاجور

کزازی (همان، ۶ / ۷۱۴) گرشاسب پدر کریمان را به هوشنگ بدل کرده است. از دید وی گرشاسب پهلوان بوده است نه پادشاه و سردودمان خاندان پهلوانی رستم هوشنگ است.

در مجموعه هفت‌شکر گورانی هم «کریمان» نام پدر نریمان است. آرش اکبری مفاخر در این باره می‌نویسد:

با توجه به آنچه آمد می‌توان دریافت: واژه کریمان در شاهنامه اسم خاص است و دو کاربرد دارد: ۱. کریمان در داستان رستم و سهراب نام پدر نریمان است. ۲. کریمان در داستان رستم و اسفندیار نام فرزند هوشنگ است (۱۳۹۰: ۳۱ - ۳۲).

در منظومه کردی *قهرمان‌نامه* منسوب به درویش‌قلی کردی نیز قهرمان پدر نریمان است (لطفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۳). به گمان نگارندگان با توجه به شجره‌نامه معرفی شده از *شاهنامه* منشور محفوظ در کتابخانه مجلس و نیز دیگر شواهد به‌دست‌آمده از سایر متون، می‌توان احتمال داد که واژه «کریمان» صورتی دیگر از «قهرمان» باشد که روایت مربوط به آن در *شاهنامه* فردوسی و دیگر کتب پهلوانی فارسی بازتابی نیافته است و از این رو، «کریمان» در ابیات مورد بحث *شاهنامه* اسم خاص است و جمع واژه کریم به معنای افراد نژاده و بخشنده نیست. گفتنی است که در بعضی از چاپ‌های سنگی، قهرمان برادر کوچک‌تری به‌نام جمشید نیز دارد.

قهرمان بسیار زیباست (نسخه: ۴۷ الف)، (ب: ۳۱ الف). قهرمان دارای صدای خوبی است (نسخه: ۱۳۳ الف). قهرمان زبان دیوان را می‌داند؛ و لیکن زبان آدمیان را در نمی‌یابد (مج: ۳ الف)، (مج: ۳ ب). البته، پس از ورود او به دربار هوشنگ‌شاه، زبان آدمیان را به او تعلیم می‌دهند (مج: ۶ ب). قهرمان آن‌چنان تنومند و سترگ است که فیلی به‌تنهایی نمی‌تواند او را بکشد (مج: ۶ ب). در نسخه برلین قد او ۴۵ ارش و پهنای سینه ۲۱ ارش ذکر شده است (ب: ۳۰ ب). در نسخه سنگی ملی به شماره ۷۰۱۸ آمده است: «قهرمان چهل[و]یک ارج قد و سی‌ونه ارج پهنای سینه داشت» (م ۱: ۳ ب). در متن *شاهنامه* مجلس چندبار نام قهرمان به‌منزله نماد دلاوری آورده شده است: «تمامی سپاه در نزد کاوه جمع شدند، گفتند: ای کاوه، ضحاک دلاوری است که مثل و مانند ندارد. کسی حریف او نیست. اگر قهرمان هم باشد از عهده او بر نمی‌آید» (مج: ۴۳ ب). «ضحاک پهلوانی است که قرینه ندارد. مثل قهرمان دلاوری بایست که در ایران باشد با ضحاک برابری کند، از کاوه چه بر می‌آید؟!» (مج: ۴۵ ب). در *طومار تقالی* *شاهنامه* هم یک‌بار نام قهرمان به‌منزله مظهر دلاوری آمده است: «نوذر شاه پیاده شد. سام نریمان را مثل عمر گران‌مایه در بر گرفت و از جبینش ببوسید و نوازش‌ها کرد و گفت: جهان پهلوان کاری که تو کردی قهرمان نکرده بود» (۱۳۹۱: ۳۳۹).

طبق روایت برلین، قهرمان در هفده‌سالگی عاشق بر سروخرامان می‌شود (ب: ۲۸ الف). در نسخه طبسی قم شهبال پری، دختر خود، جهان‌آرا، را به عقد قهرمان

معرفی نسخ نویافته قهرمان نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

درمی آورد (ط: ۲۱ ب). اینکه قهرمان علاوه بر سروخرامان، کسی دیگر را به منزله همسر برگزیند، در دیگر نسخ قهرمان نامه ملاحظه نشد. از شواهد متن قهرمان نامه (نسخه ملی) برمی آید که عنوان و لقب قاتل از این رو بدو نسبت داده شده است که کشنده کافران و به خصوص، عطار جادوست و این لقب به منزله یکی از ویژگی های مثبت او قلمداد می شود. «ای قهرمان، قاتل عطار روئین تن، بدان و آگاه باش که مرا رامین شاه بن انوش بن یوشع بن اسد می گفتند» (نسخه: ۱۵۰ الف). در نسخه مجلس وجه تسمیه لقب قاتل بدین صورت آمده است: «او را قهرمان قاتل می نامند. قتل تمام دیوان در دست این خواهد بود» (مج: ۲۵ ب).

#### ۱۰ - ۱. مرکب قهرمان (شش پای بحری)

یکی از بن مایه های داستانی پرتکرار در پیوند با نقش اساطیری - آیینی اسپ، مضمون «اسپ دریایی» است؛ بدین معنی که در اساطیر و روایات ملل گوناگون اسپانی دیده می شوند که یا خود مستقیماً از دریا و رود بیرون آمده اند و یا اینکه از گشنی کردن اسپ که از دریا و چشمه خارج شده با مادیان های معمولی زاده شده اند و در هر صورت، به - منزله اسپ دریایی یا کره ای دریایی نژاد، باره ای شگفت و غیرطبیعی محسوب می شوند که بیشتر در اختیار پهلوان یا پادشاه قرار می گیرند (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۱۶).

مرکب قهرمان که از جنس مرکب های بحری است، بسیار تیزپاست تا جایی که باد صبا نیز به گرد او نمی رسد و هیچ حربه ای بر بدن او کارگر نیست. مرکب شش پای بحری در نسخه ملی این گونه توصیف می شود: «چشم ایشان بر حیوانی افتاد که چشم او به چشم فیل و سر و گردن به مانند اسب می ماند و در پیشانی او به غیر از دو چشم، یک چشم دیگر داشت که مجموع سه چشم باشد و چشم هایش چون یاقوت سرخ می درخشید و یک شاخ در میان دو ابرو داشت و شش پا داشت» (نسخه: ۲۲ الف).<sup>۶</sup>

#### ۱۰ - ۲. اسباب و رزم افزار قهرمان

قهرمان از پدرش بازوبندی به ارث برده است که به واسطه آن هیچ سحر و جادویی بر او اثر نمی گذارد (نسخه: ۸۴ الف). کمند قهرمان از پوست دیوان تهیه شده است

(نسخه: ۲۲ ب). نام شمشیر او «قمقام» و یا «غمغم» ذکر شده است (ب: ۴۲ ب)، (ج: ۳۰ الف). کمند و شمشیر قهرمان که پس از وفاتش در اسلحه‌خانه سلطنتی نگهداری می‌شود، به دستور فریدون به سام بخشیده می‌شود (مج: ۶۴ ب). صندلی قهرمان نیز از طرف رستم به برزو داده می‌شود (مج: ۱۳۲ ب).

در نسخه مجلس «کیمردشاه» جد قهرمان برای او سه چوبه تیر و یک گرز به یادگار گذاشته است (مج: ۲۰ ب). قهرمان پس از اینکه موفق به شکستن طلسم کیانوس جنی می‌شود، کمر بند و گرز و خنجر را که برای او به ارث گذاشته شده است به دست می‌آورد. این اسباب که هرکدام نیروی شگفتی دارند، قهرمان را در رسیدن به هدفش یاری می‌رسانند. (ب: ۷۱ الف)، (ج: ۴۵ الف). در نسخ *قهرمان‌نامه* گاهی این گرز به «کیومرث» و گاهی به «طهمورث» نسبت داده شده است.

سلاح‌ها و ابزار قهرمان در چاپ سنگی این گونه آمده است:

قهرمان مکمل و مسلح شده، خود عادی بر سر نهاده و نیم‌تاج بالای خود و کمر کیانی بر میان و تیغ غم‌غم حمایل و سپر جان بن جان بر مهره پشت و از فرق سر تا ناخن پا به دریای لعل و جواهر غوطه‌ور شده و جانور شش‌پای چهارچشم بحری را به زیر زین کشیده و گرز کیومرث به قریوس زین استوار کرده و کمند بلند ذرع را به فتراک بسته و پای دولت به رکاب گذاشته و بر جانور سوار شده و نیزه قارون‌شاه را از بناگوش جانور گذرانیده (م ۱: ۴۶ ب).

#### ۱۱. نتیجه

تصحیح متن *قهرمان‌نامه* بر اساس نسخه محفوظ در کتابخانه ملی و مقایسه این نسخه با دیگر نسخ برجای مانده از آن، چند نکته را بر ما روشن می‌سازد. نخست اینکه تمامی این داستان‌ها از سوی کاتبان یا روایانی دیگر از صورت اصلی خود دور شده و شاخ و برگ فراوان یافته‌اند. آوردن اشعاری از شاعران قرن ۸ هجری به بعد، استعمال واژگان و اصطلاحات مخصوص به دوران صفویه، استفاده بسیار از واژگان ترکی، تفاوت در ساختار روایت‌ها، همگی شواهدی بر تغییر و دگردیسی داستان هستند تا آنجا که

معرفی نسخ نویافته قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

می‌توان گفت این روایت، با روایت اصلی ابوطاهر طرسوسی بسیار تفاوت دارد. درواقع، بر ما مشخص نیست که کدام قسمت داستان قدمت و دیرینگی بیشتری دارد و از سوی خود ابوطاهر طرسوسی به روایت درآمده است. دوم اینکه، همان‌طور که در موارد قبل گذشت، آوردن اشعار شاعرانی متعلق به سبک عراقی و هندی، الحاقی بودن آن‌ها را اثبات می‌کند. نکته مهم این است که بسیاری از این شاعران شیعی مذهب بوده و اهل بیت<sup>(ع)</sup> را مدح و ثنا گفته‌اند. با این قرینه می‌توان ادعا کرد که کاتب و یا راوی دیگری جز ابوطاهر، شیعی مذهب بوده و در جای‌جای داستان به اقتضای موضوع از این اشعار بهره برده است. از جمله این شاعران می‌توان به باذل مشهدی، ابن حسام خوشفی، ارجاسب امیدی تهرانی، ابوالمفاخر رازی و ... اشاره کرد. سوم اینکه متن *قهرمان‌نامه* از لحاظ ریخت و سبک، مشابه دیگر داستان‌های متون عامه و نقالی است که در آن از گزاره‌های تکراری برای انتقال داستان به مخاطب استفاده شده است. توصیف طلوع و غروب خورشید، وصف میادین جنگ و دلیری‌های پهلوانان، آوردن تشبیه‌ها و کنایات و اصطلاحات یکسان و نیز بن‌مایه‌های مشترکی که در تمامی این متون دیده می‌شود، ما را به این نتیجه می‌رساند که این داستان‌ها برای مخاطبان خاصی از طبقات جامعه روایت می‌شده است.

متن حاضر را می‌توان در چندین نوع ادبی جای داد. از سویی با توجه به آوردن اشعار حماسی به اقتضای فضای داستان و وصف میادین جنگ و نبرد پهلوانان آن را جزو متون حماسی می‌توان به‌شمار آورد. از سویی دیگر داستان عشق قهرمان و سروخرامان جلوه‌ای از ادبیات غنایی را در متن جلوه‌گر ساخته است. به علاوه، حضور عیاران و نقش چشمگیر آنان در سرتاسر داستان، *قهرمان‌نامه* را در زمره متون عیاری قرار می‌دهد.

در متن حاضر، نوادر لغات و اصطلاحاتی به‌کار گرفته شده است که در دیگر متون ادبی یا نیامده و یا کاربردی اندک داشته است. تصحیح متن از این منظر، زمینه تحقیق زبان‌شناسان را درباره ادبیات عامه فراهم می‌کند و به شناخت بهتر این حوزه از ادبیات منجر می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در مقاله حاضر، برای پرهیز از تکرار، از علائم اختصاری به جای ذکر نام کامل کتابخانه نگهدارنده نسخه استفاده شده است.
- نسخه: نسخه ملی (نسخه اساس)، ب: نسخه برلین، ج: نسخه رودکی تاجیکستان، مج: نسخه مجلس، م:  
۱: نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۷۰۱۸، م ۲: نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به  
شماره ۲۱۹۹۳، آ ۱: نسخه چاپ سنگی کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۵۷۶۵
۲. برای اطلاع از احوال و آثار ابوطاهر طرسوسی ر.ک: طرسوسی، ۱۳۸۰: ۱ / مقدمه کتاب؛ همان،  
۱۳۹۵: ۱ / ۷۸ - اته، ۲۵۳۶: ۲۱۴
۳. متن کامل طومار شاهنامه منشور از سوی نگارنده مسئول تصحیح شده و همراه با مقدمه و تعلیقات  
به زودی انتشار خواهد یافت.
۴. هرمان اته (1937: 2/ 173) در فهرست نسخ خطی کتابخانه ایندیا آفیس خبر از وجود نسخه‌ای  
دیگر از قهرمان‌نامه به شماره q 787 داده است. بنا بر درخواست نگارنده مسئول با پیگیری‌هایی  
که میرانصاری در انگلستان برای دریافت این نسخه به انجام رساندند، متأسفانه مشخص شد که  
وی در فهرست خود ره به خطا برده و نسخه مورد اشاره وی اثری جز قهرمان‌نامه بوده است.
۵. درباره درویش قلی کردی نک: صفی‌زاده، ۱۳۷۶: ۳۶۲
۶. برای ملاحظه شواهد اسب دریایی در متون حماسی و دیگر متون عامه ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۴: ۱۶ -  
۳۱

### منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۳). «گرشاسب در پیشگاه اورمزد (نمونه‌ای از داوری در فرهنگ ایران باستان)». کلک. ش ۵۴. صص ۹ - ۱۶.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۴). «اسب دریایی در داستان‌های پهلوانی». مطالعات ایرانی. س ۴. ش ۷. صص ۱۶ - ۳۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). «پهلوان بانو». مطالعات ایرانی. ش ۱۳. صص ۱۱ - ۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). متون منظوم پهلوانی (برگزیده منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه). تهران: سمت.
- اته، هرمان (۲۵۳۶). تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه با حواشی رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معرفی نسخ نویافته قهرمان نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

- اکبری مفاخر، آرش (۱۳۹۰). «کریمان کیست؟ بر پایه دست‌نویس هفت‌لشکر گورانی». *جستارهای ادبی*. ش ۱۷۴. صص ۱۵ - ۳۸.
- بانوگشسب‌نامه (۱۳۸۲). مقدمه. به تصحیح و توضیح روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بشری، جواد (۱۳۸۸). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. ج ۱ / ۲۷. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بغدادی، عبدالقادر (۱۳۸۲). *لغت شاهنامه*. به تصحیح کارل، گ. زالمان. ترجمه توفیق هاشم پورسیحانی و علی رواقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- پروین گنابادی، محمد (۱۳۴۰). «داراب‌نامه». سخن. س ۱۲. ش ۱. صص ۹۲ - ۱۰۸.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. ج ۴۴. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. ۵ جلد. به‌اهتمام محمد معین. تهران: کتاب‌فروشی ابن سینا.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰). *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۸). *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۸). *نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و اروپا و آمریکا*. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*. ج ۸. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. ۱۵ جلد. تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن و محبوبه حیدری (۱۳۹۱). *ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران*. ۳ ج. تهران: رشد‌آوران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). «معشوقان جنگجو در منظومه‌های عاشقانه و افسانه‌های عامه». *زبان و ادبیات فارسی*. ش ۷۷. صص ۹۱ - ۱۱۴.

سال ۸، شماره ۳۲، خرداد و تیر ۱۳۹۹. \_\_\_\_\_ دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت. رشیدی، عبدالرشید تتوی (۱۳۳۷). فرهنگ رشیدی. به تحقیق و تصحیح محمد عباسی. ج. ۲. تهران: کتابفروشی بارانی.
- \_\_\_\_\_ زرین‌قبا‌نامه (منظومه‌ای پهلوانی و پیرو شاهنامه از عصر صفویه) (۱۳۹۳). مقدمه و تصحیح و تعلیقات سجاد آیدنلو. تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۵). «ماجرای تحریم ابومسلم‌نامه». ایران‌نامه. ش ۱۸. صص ۲۳۳ - ۲۴۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۵ (۱). تهران: فردوس.
- \_\_\_\_\_ صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۶). دانش‌نامه نام‌آوران یارسان (احوال و آثار مشاهیر، تاریخ، کتاب‌ها و اصطلاحات عرفانی). تهران: هیرمند.
- \_\_\_\_\_ طرسوسی، ابوطاهر (۲۵۳۶). داراب‌نامه. به تصحیح ذبیح‌الله صفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). ابومسلم‌نامه. به تصحیح حسین اسماعیلی. ۴ مجلد. تهران: قطره و معین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). حماسه قران حبشی. به تصحیح میلاد جعفرپور. تهران: علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ طومار جامع شاهنامه (۱۳۹۱). مقدمه، ویرایش و توضیحات سجاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.
- \_\_\_\_\_ قزوینی، محمد (۱۳۸۸). یادداشت‌های قزوینی. به کوشش ایرج افشار. ج ۹ و ۱۰. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ کریستن‌سن، آرتور (۲۵۳۵) کیانیان. ترجمه ذبیح‌الله صفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۲). نامه باستان. ج. ۹. تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ لطفی‌نیا، حیدر (۱۳۸۸). حماسه‌های قوم‌گرد. تهران: سمیرا.
- \_\_\_\_\_ محجوب، محمدجعفر (۱۳۶۴). «سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی». ایران‌نامه. ش ۱۴. صص ۱۹۴ - ۲۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه ایران. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- \_\_\_\_\_ محمد پادشاه (شاد) (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. ج. ۷. تهران: کتابخانه خیام.

معرفی نسخ نویافته قهرمان نامه (داستان قهرمان قاتل) و معرفی... عباس پارسا طلب و همکاران

- مشار، خانبابا (۱۳۵۲). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. ج ۳. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- معظمی کندی، سید علی و همکاران (۱۳۹۷). فهرست نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ج ۶۷. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- موجانی، سید علی (۱۳۷۶). فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان. ج ۱. تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز وزارت امور خارجه.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). فهرست نسخه‌های خطی انستیتو شرق‌شناسی و آثار خطی تاجیکستان. ج ۳. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی. تهران: فروغی.

- ولف، فریتس (۱۳۷۷). فرهنگ شاهنامه فردوسی. تهران: اساطیر.

Bloch, E. (1932). *Catalogue des manuscrits turcs*. Tome I. nos 1-572. Paris: bibliotheque Nationale.

Ethe, H. (1937). *Catalogue of Persian manuscripts in the Library of the India Office*. London: The Clarendon Press.

Flugel, G. (1865). *Arabischen, Persischen und Turkischen Handschriften der Kaiserlich – Koniglichen Hofbibliothek zu Wien*. Wien: K.K. Hof- Und Staatsdruckerei.

Kosticyn, K. p. (2017). *Catalogue of Persian manuscripts in the matenadaran*. Yerevan: "Nairi" publi-shing house.

Nametak, F. (1998). *Catalogue of The Arabic, Turcish, Persian and Bosnian manuscripts in the Ghazi Husrev-bey library*. Tome 4. London & Sarajevo: AL-Furqan Islamic Heritage Foundation & Riasat of Islamic Community in B & H.

Pertsch, W. (1888). *Handschriften – verzeichnisse der koniglichen bibliothek zu berlin*. Berlin: A. Asher & co.

Popara, H. (2008). *Catalogue of The Arabic, Turcish, Persian and Bosnian manuscripts in the Ghazi Husrev-bey library*. Volume 16. London, Sarajevo: AL-Furqan Islamic Heritage Foundation, Riasat of Islamic Community in B & H.

## On a Recently Found *Qahraman-Namah* (The Story of the Killer Hero) and its Characters

Abbas Parsa Talab<sup>1</sup> \* Ali Mohammad Moazeni<sup>2</sup>  
Rouhollah Hadi<sup>3</sup>

1. Phd Candidate of Persian Language and Literature, Tehran University.
2. Professor of Persian Language and Literature, Tehran University.
3. Associate Professor of Persian Language and Literature, Tehran University.

Received: 26/12/2019

Accepted: 28/03/2020

### Abstract

Qahramā n-nā mah (or killer hero, or The Tales of Heroes) is a work by Abū Ṭ ā hir Ṭ arṭ ū sī , a prolific author in the sixth century. This story is one of the popular folklore, reflecting the mythological reign of Houshang Shah and the courage of his warriors. The main characters in this story are Qahraman, Houshang Shah, Gardankeshan, Sarv Kharaman, and Bahram Jebeli. There are several versions of the Qahramā n-nā mah in Persian, Turkish, Uzbek, and Kurdish, but so far, except a few low quality and inappropriate stone prints, no critical correction has been made of this work. This article attempts analyze the existing version of the Qahramā n-nā mah, some of the stylistic features of the National Library version (the basic version), and the main character of the story, the Qahraman.

**Keywords:** Qahramā n-nā mah; Abū Ṭ ā hir Ṭ arṭ ū sī ; manuscript; Qahramanl.

---

\*Corresponding Author's E-mail: abbas.parsatalab@ut.ac.ir.